

اقتراح:

## سرمایه‌گذاری خارجی و استقلال و عزت اسلامی

وضعیت پرتلاطم جریان بین‌المللی سرمایه و تحولات غیرقابل پیش‌بینی و گاه خارج از کنترل بازارهای مالی، کارنامه موفق و ناموفق پدیده استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای مختلف، رشد خیره‌کننده اقتصاد برخی میزبانان شرکت‌های چندملیتی، وابستگی عمیق و بحران‌های شکننده و ویران‌کننده برخی میزبانان دیگر و عزم برخی مسئولان اجرایی و جناح‌های سیاسی بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی، مجله اقتصاد اسلامی را بر آن داشت که در این شماره، دیدگاه‌های دکتر حسن سبحانی (نماینده محترم مجلس شورای اسلامی) و حجة الاسلام والمسلمین محمدنقی نظرپور (استاد اقتصاد دانشگاه مفید) را جویا شده و در قالب پرسش و پاسخ تقدیم خوانندگان محترم نماید.

**\* با توجه به تأکید اسلام بر استقلال و عزت جامعه اسلامی، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

□ دکتر سبحانی: استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی، به خودی خود نمی‌تواند مغایرتی با تأکید اسلام بر استقلال و عزت جامعه اسلامی داشته باشد. در سرمایه‌گذاری خارجی دولت یا بخش خصوصی یک کشور با سرمایه خود، و بدون این‌که بابت سرمایه از کشور

میزبان، سرمایه، بهره، سود و امثال آن را مطالبه کند، در قلمرو کشور دیگری سرمایه‌گذاری می‌کند. بدیهی است این سرمایه‌گذاری می‌تواند براساس قوانین در زمینه‌های معین و تعریف شده و به همین جهت هدایت شده باشد. همانند سرمایه‌گذاری داخلی، امکان بهره‌مندی سرمایه‌گذاری خارجی از برخی امتیازات مصوب وجود دارد (هرچند ممکن است این امتیازات بین سرمایه‌گذار داخلی و خارجی متفاوت باشند) و در نهایت سود آن‌ها مشمول مالیات می‌شود. در مجموع می‌توان گفت در یک سرمایه‌گذاری متعارف و معمولی، سرمایه‌گذار خارجی به عنوان مکمل سرمایه‌گذار داخلی از امکانات متنوع کشور میزبان از بازار مصرف گرفته تا در مواردی منابع طبیعی، بهره‌برداری می‌نماید. قاعدتاً چنان‌چه در این فعالیت، حساسیت‌ها و ظرافت‌های لازم لحاظ گردد و در خصوص فعالیت سرمایه‌گذاران آینده‌نگری‌های کافی شود نه تنها این فعالیت مغایر استقلال و عزت جامعه نیست بلکه می‌تواند از طریق مزایا و فوایدی که برای اقتصاد میزبان تدارک می‌بیند، بر سطح تولید و اشتغال آن بیفزاید و در نتیجه از طریق افزایش رفاه مردم در ارتقای سطح زندگی آنان هم مؤثر باشد. این فواید و مزایا می‌تواند دربرگیرنده انتقال دانش فنی هم باشد، لذا همان‌طور که ملاحظه می‌شود امکان افزایش عزت و تقویت استقلال هم از طریق این نوع سرمایه‌گذاری وجود دارد.

با وجود این، باید دقت نمود که سرمایه‌گذاری خارجی یا باید مکمل سرمایه‌گذاری داخلی باشد و یا این‌که محاسبات نشان دهند که به‌کارگیری آن‌ها به صورت جایگزین سرمایه داخلی، هزینه فرصت کم‌تری نسبت به سرمایه داخلی دارد. بدیهی است در چنین شرایطی است که استفاده از سرمایه کشور دیگر مزیت دارد و اگر نه بسیار اتفاق می‌افتد که کشور می‌تواند با سرمایه‌های داخلی نیز به بهترین شیوه ممکن خود را اداره کند. واضح است در چنین شرایطی و در فقدان مزیت‌های دیگر، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی توجیه و توصیه نمی‌شود. به عنوان مثال، در حالی که میلیاردها تومان نقدینگی بخش خصوصی در اقتصاد ایران، با جابه‌جایی نه چندان هدفمند، چند مدت یکبار بخش‌های اقتصاد را نامتعادل می‌سازند و چنان‌چه سیاست‌گذاری منطقی و متناسب با واقعیات برای جذب آن‌ها صورت گیرد قطعاً برکات زیادی به نفع افزایش تولید ناخالص داخلی و اشتغال خواهند داشت، می‌توان در میزان اشتیاق به سرمایه‌گذاری خارجی نوعی سردرگمی را ملاحظه کرد.

□ حجة الاسلام نظریور: در نظام اسلامی باید سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها به گونه‌ای باشد که استقلال و عزت جامعه در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نه تنها تثبیت و تحکیم گردد، بلکه هیچ خدشه‌ای هم به آن وارد نیاید، اما به صورت یک گزاره کلی نمی‌توان اذعان نمود که استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی با این اصول منافات دارد؛ گرچه عدم ساختار مناسب اجتماعی - اقتصادی کشور و چگونگی استفاده از سرمایه‌های خارجی و شرایطی که نوعاً همراه با ورود سرمایه و خروج آن از کشور مطرح می‌شود، ممکن است استقلال و عزت جامعه اسلامی را خدشه‌دار سازد.

البته اگر به درستی رشد و توسعه اقتصادی را که خود موجبات استقلال و عزت جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد، ضروری بدانیم، گاهی ممکن است به دلیل عدم وجود منابع مالی کافی داخلی، استفاده از منابع خارجی را مطلوب بدانیم. در این صورت باید شرایط صریح و ضمنی مورد نظر سرمایه‌گذار را به دقت بررسی نمود، اثرات کوتاه مدت و بلند مدت آن را در نظر گرفت و با شناخت دقیق از تبعات مثبت و منفی آن نسبت به قبول یا رد آن اقدام کرد.

با وجود این، رشد و توسعه کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه ضرورتاً وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی نیست. کشورهای توسعه یافته کنونی نیز از الگوی واحدی در این زمینه تبعیت نکرده‌اند. آمریکا در سال‌های ۱۸۳۵ - ۱۸۶۰ برای رشد و توسعه به شدت بر سرمایه‌گذاری خارجی متکی بود، شوروی سابق نیز برای اجرای سیاست‌های توسعه در طول سه دهه قبل از جنگ جهانی دوم، از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال نمود، ولی ژاپن با این‌که از نظر منابع طبیعی فقیر است نه تنها در طول تاریخ توسعه خود از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال نکرد، بلکه به شدت مانع ورود آن به کشور شد و با تشویق به مصرف کم‌تر و پس‌انداز بیش‌تر، برگستره فعالیت شرکت‌های برآمده از سرمایه‌گذاری داخلی افزود و آن‌را در عرصه‌های مختلف اقتصادی نهادینه کرد. شاید دغدغه اصلی ژاپنی‌ها در زمان توسعه، شکوفایی اقتصاد ملی از طریق احیا و تقویت ملی‌گرایی بود؛ اصلی که ژاپنی‌ها هنوز هم در همه عرصه‌ها تا حد توان بر آن پای می‌فشرند.

تجربه ژاپن، گواه روشنی بر این نکته است که جامعه‌ای که شناخت صحیح و قابل اعتمادی از مشکلات و مسائل داخلی خود دارد و از ساختارهای مناسب و مدیریت درست اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برخوردار است، مشکل کمبود سرمایه فیزیکی مانعی جدی در مسیر رشد و توسعه اقتصادی محسوب نمی‌شود.

## \* به نظر شما مزایا و معایب مهم سرمایه‌گذاری خارجی چیست؟

□ دکتر سبحانی: سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند ضمن انتقال ارز و نقدینگی به درون اقتصاد کشور میزبان، به انتقال دانش فنی جدید و هم‌چنین آموزش نیروی کار کشور میزبان با آن دانش فنی اقدام نماید. این نوع سرمایه‌گذار احتمالاً کالاهای تولیدی خود را با کیفیت بهتری از تولیدکننده مشابه در کشور میزبان ارائه می‌کند لذا می‌تواند رضایت و رفاه مصرف‌کننده را جلب و زمینه را برای تلاش تولیدکنندگان کشور پذیرنده سرمایه جهت افزایش کیفیت محصولات خود فراهم سازد. البته همان‌طور که ملاحظه می‌شود گرفتن امکان رقابت از سرمایه‌گذاران داخلی، چنان‌چه جدی باشد، از مضرات سرمایه‌گذاری خارجی بر وضعیت تولید به صورت کلان ارزیابی می‌شود. این نکته بدان معناست که سرمایه‌گذاری خارجی در عین حال که تحقیق و توسعه را تا حدودی به کشور میزبان می‌آورد، چنان‌چه کشور پذیرنده سرمایه در حال توسعه باشد، زمینه‌های استفاده از امکانات داخلی را از بین می‌برد و این یکی از مهم‌ترین مضرات سرمایه‌گذاری خارجی است که خصوصاً به لحاظ ذهنی نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی اگر به صورت بی‌رویه و در تمام عرصه‌های یک اقتصاد صورت گیرد این نگرانی را ایجاد می‌کند که اقتصاد میزبان را معطوف به اراده سرمایه‌گذاران خارجی، دچار شوک سازد، لذا از این جهت هم مثبت ارزیابی نمی‌شود (تجربه کشورهای شرق آسیا در چند سال گذشته و پی‌آمدهای منفی آن).

□ حجة الاسلام نظریور: برای سرمایه‌گذاری خارجی منافی ذکر می‌شود، در این جا به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازم:

۱- انتقال سرمایه از کشورهایی که مازاد سرمایه دارند به کشورهای نیازمند: از آن جا که نوع کشورهای در حال توسعه از کمبود سرمایه رنج می‌برند، این انتقال می‌تواند چنین کمبودهایی را برطرف سازد. در عین حال ممکن است این شرکت‌ها با از بین بردن رقبای داخلی و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری مجدد سودهای خود، اثر بخشی انتقال این سرمایه‌ها به کشور را به حداقل ممکن تقلیل دهند و در بلند مدت نیز افزایشی در درآمدهای ارزی حساب‌های جاری و سرمایه‌ای ملاحظه نگردد.

۲- ایجاد اشتغال: از آن جا که سرمایه‌گذار خارجی به تولید می‌پردازد، اشتغال مولد را نیز فراهم می‌سازد. با وجود این، نقش شرکت‌های چند ملیتی - که عمده‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی تلقی می‌شوند - در ایجاد اشتغال اصلاً چشمگیر نیست. در بیش‌تر کشورهای در

حال توسعه، از مجموع اشتغال تمام بخش‌ها، نقش شرکت‌های چند ملیتی از یک تا شش درصد است؛ زیرا این شرکت‌ها معمولاً در صنایع پتروشیمی و فلزات که به طور اساسی سرمایه برند، سرمایه‌گذاری کرده و معمولاً کارگران کم‌تری استخدام می‌کنند.

از سوی دیگر، چون در موطن اصلی این شرکت‌ها نیروی انسانی‌گران است، نوعاً در صنایع به سمت تکنولوژی‌هایی می‌روند که سرمایه بر و کار اندوز باشد. از این رو اشتغال زایی این صنایع بسیار پایین خواهد بود و به علت محدود بودن پیوندهای پیشین و پسین، در سطح کلان کشور نیز نمی‌توان انتظار اشتغال فراوان را داشت.

۳- انتقال فن‌آوری: کشورهای جهان سوم که از نظر فن‌آوری ضعیف‌اند، می‌توانند در حین اجرای طرح فن‌آوری آن طرح را بومی کنند. اما اگر سرمایه‌گذاران خارجی احساس کنند سود بلند مدت خود را نمی‌توانند با انتقال فن‌آوری تضمین نمایند، بی‌شک در انتقال تجارب خود دریغ خواهند ورزید.

۴- دسترسی به بازار فروش محصول: کشورهای در حال توسعه حتی در صورتی که بتوانند محصولات قابل رقابتی را عرضه کنند، اغلب در نفوذ به بازارهای جهانی دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند، اما سرمایه‌گذاران خارجی که عمدتاً از شرکت‌های چندملیتی هستند به راحتی می‌توانند محصولات تولیدی داخل را به آن بازارها منتقل نمایند.

۵- پرنمودن شکاف درآمدهای مالیاتی مورد نیاز و درآمدهای وصولی: پس از سرمایه‌گذاری خارجی و تولید کالا، اصولاً باید با پرداخت مالیات حجم مالیات‌های وصولی دولت‌ها افزایش یابد، اما متأسفانه درآمدهای قابل توجهی از این طریق عاید دولت‌ها نمی‌شود؛ زیرا نوعاً سرمایه‌گذار خارجی با پیش شرط حذف مالیات‌ها یا کاهش نرخ مالیات‌ها و کمک‌های مخفی دولتی و حمایت تعرفه‌ای وارد کشور می‌شود.<sup>۱</sup>

در مجموع باید به این نکته توجه نمود که حتی اگر سرمایه‌های فراوانی در قالب کمک بلاعوض نیز به کشورهای در حال توسعه داده شود، هنگامی که تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشورها صورت نپذیرد، هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت این سرمایه‌های فیزیکی، کشورها را به رشد و توسعه پایدار سوق دهد.

**\* عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف به‌ویژه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

□ دکتر سبحانی: در دهه‌های اخیر تحركات مربوط به جابه‌جایی سرمایه در کشورهای مختلف، تحت تأثیر تحولات اقتصاد سرمایه‌داری سرعت گرفت و صاحبان سرمایه برای

بهره‌برداری از مزیت‌های موجود در جای‌جای جهان و تقسیم کاری که امکان عملیاتی شدن در جهان را داشته باشد، به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف مبادرت کردند. بدیهی است در انتخاب اماکنی که پذیرای سرمایه خارجی می‌باشند ملاک‌ها و ویژگی‌ها و شرایطی مد نظر سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد. کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت برخوردار شدن از مواضع درست و صحیح و انقلابی، غیرمنصفانه از سوی برخی کشورها که منافعی در ایران به خطر افتاده و قطع شده است مورد حمله قرار گرفته و گاه چنین وانمود شده است که در ایران امنیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد، لذا موجی از عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران در خارج از کشور به وجود آمده و درجه ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بالا رفته و در نتیجه سرمایه‌گذاری خارجی مهمی در سال‌های اخیر در کشور ما صورت نگرفته است. البته من بر این عقیده نیستم که مشکلات اقتصادی کشور به خاطر فراهم نشدن امکان استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است؛ زیرا کشور از منابع فراوانی برخوردار است و بخش خصوصی نقدینگی وسیعی دارد لیکن سیاست‌های موجود نتوانسته‌اند آن‌ها را به تولید و اشتغال رهنمون سازند که بحث مجزایی را می‌طلبد. البته در سال‌های قبل از انقلاب هم سرمایه‌گذاری معنی‌دار خارجی در کشور صورت نگرفته است؛ مثلاً در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۷ به ترتیب ۱۷۰ میلیون دلار، ۵۰ میلیون دلار، ۲ میلیون دلار، ۱۷ میلیون دلار، ۲۶ میلیون دلار و ۵۰ میلیون دلار جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌ایم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دو سال اول این دوره زمانی، خروج سرمایه هم ثبت شده است. مقایسه این ارقام با میزان جذب سرمایه خارجی در کل آسیای غربی (شامل کشورهای بحرین، قبرس، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحد عربی و یمن) در همین دوره به ترتیب ۱۸۲۷، ۳۴۴۷، ۱۵۱۸، ۷۴۶، ۳۰۳ و ۱۸۸۶ میلیون دلار بوده است، بیان‌گر آن است که ما از نظر جذب سرمایه خارجی در وضعیت مناسبی قرار نداشته‌ایم، هرچند کشورهای همسایه ما هم از وضعیت خیلی رضایت‌بخشی برخوردار نبوده‌اند.

□ حجة الاسلام نظری‌پور: عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورها، به چگونگی ساختار اجتماعی و اقتصادی و میزان زمینه‌سازی و جهت‌دهی این کشورها به این نوع سرمایه‌گذاری بستگی دارد و در این میان می‌توان به تجربه‌های موفق و ناموفق - حتی در یک کشور در مقاطع زمانی متفاوت - دست یافت. سرمایه‌گذاری خارجی در چین که نوعاً توسط هنگ‌کنگ‌کنگ‌ها انجام گرفت، به علت تشابهات اجتماعی و فرهنگی و ارتباطات قومی

و نژادی خصوصاً در استان‌های هم‌جوار چین با هنگ‌کنگ، موفق بوده است. کشورهای جنوب شرق آسیا گرچه توانستند رشد اقتصادی بالایی را در سایه سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام در بازارهای جهانی تجربه کنند، اما به علت درون‌زا نبودن این رشد، در استمرار آن دچار مشکلات جدی شدند.

بر اساس مطالعات موجود در ایران، در دوره ۱۳۵۲ - ۱۳۵۶ در مجموع ۹۷۲ شرکت خارجی در کشور به ثبت رسید که از این تعداد، ۳۷۱ شرکت در زمینه دلالی و بیمه، ۲۵۱ شرکت در زمینه بازرگانی، رستوران و هتل داری و ۲۰۶ شرکت در زمینه ساختمان فعال بودند و بقیه تحت عنوان سایرین طبقه‌بندی شدند.<sup>۲</sup>

با توجه به این‌که فضای فرهنگی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار مناسب بود، بیش از یک سوم سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه دلالی و بیمه انجام گرفت و درصد کمی از شرکت‌های خارجی به ساخت تجهیزات سرمایه‌ای و تولید کالاهای ضروری و استراتژیک پرداختند. بعد از انقلاب نیز با بیش از یک دهه عدم فعالیت این شرکت‌ها در عرصه اقتصاد کشور، شاهدیم که سرمایه‌گذاران خارجی عمدتاً در منابع طبیعی و صنایع نفت و گاز و ذوب فلزات و معادن که با توجه به میزان و حجم ذخایر کشف شده از اطمینان بالایی در سوددهی برخوردارند، سرمایه‌گذاری می‌کنند، و از فعالیت چشم‌گیر در صنایع ممتاز و برجسته نظیر صنایع رایانه‌ای، ماشین‌آلات سرمایه‌ای و سایر صنایع مادر، که در دراز مدت اثرات چشمگیری در رشد و توسعه کشور خواهند داشت، سرباز می‌زنند. بی‌تردید گسترش صنایع مورد نظر سرمایه‌گذاران خارجی از آن دست، نمی‌تواند گره‌های کور اقتصادی کشور را باز نموده و کشور را به رشد و توسعه اقتصادی رهنمون سازد. مطابق آمار رسمی کشور پس از پایان جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۷۶ حدود سی میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد کشور شد، اما مشکل بیکاری و تراز پرداخت‌ها و موازنه تجاری حل نشد و کشور به رشد مستمر و چشمگیری نیز نرسید.

به نظر می‌رسد این میزان تجربه کافی باشد تا بدانیم صرف ورود سرمایه به کشور مشکلی را حل نمی‌کند و اگر قرار بود از این طریق مشکل حل شود می‌بایست با حدود ۴۵۰ میلیارد دلار درآمد حاصل از فروش نفت، بسیار زودتر و سریع‌تر مشکلات حل و فصل می‌شد و شکاف توسعه نیافتگی کشور با سایر کشورهای توسعه یافته، نه تنها روز به روز عمیق‌تر نمی‌شد، بلکه به سرعت هموار می‌گشت.

**\* با توجه به شرایط فعلی ایران (وجود ذخایر ارزی حاصل از فروش نفت، خروج سرمایه از ایران توسط سرمایه‌داران ایرانی، عدم استفاده بهینه از سرمایه‌های داخلی، روند جهانی شدن اقتصاد و ...) نیاز به استفاده از سرمایه‌های خارجی را در چه حد ارزیابی می‌کنید؟**

□ دکتر سبحانی: باید بین سرمایه‌گذاری خارجی و وجوه موجود ارزی در ذخایر کشور تفاوت قائل شد؛ زیرا وجوه مازاد ناشی از فروش ثروت ملی (نفت خام) است و باید به نحوی به ثروت‌های دیگری که بازدهی مستمر و بیش‌تری دارند تبدیل شوند، اما سرمایه خارجی بدون این‌که استفاده از ذخایر ارزی را مطرح سازد از طرف بخش خصوصی یا حداکثر بخش دولتی خارجی انجام می‌شود و متوجه سرمایه ملی نیست. بنابراین نفس وجود مازاد درآمد ارزی مانعة‌الجمع با سرمایه‌گذاری خارجی نیست، شاید هم وجود مازاد، درجات ریسک سرمایه‌گذاری را پایین آورده و از این جهت حتی سرمایه‌گذاری خارجی را تشویق نماید. به نظر می‌رسد چون در کشور بین استقراض از خارج به صورت بیع متقابل و فاینانس با سرمایه‌گذاری خارجی خلط مبحث صورت گرفته است و عده‌ای صور مختلف استقراض را سرمایه‌گذاری خارجی می‌نامند، چنین شبهه‌ای ایجاد شده است؛ حتی ممکن است در شرایطی از اقتصاد، با وجود وجوه ارزی مازاد، استقراض خارجی هم توجیه داشته باشد مشروط به آن‌که هزینه فرصت به کارگیری سرمایه استقراضی کم‌تر از هزینه فرصت وجوه مازاد کشور باشد.

اگر روند خروج سرمایه از کشور توسط ایرانیان سرعت بگیرد یا شایعات غیر واقعی مربوط به خروج رواج یابد و موجب ارائه تصویری از نابه‌سامانی در اقتصاد داخلی ما شوند، بی‌شک از انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به کشور به منظور سرمایه‌گذاری کاسته می‌شود. عدم استفاده بهینه از سرمایه‌های داخلی نیز می‌تواند تا حدودی نقش مانع و بازدارنده را بر سر راه سرمایه‌گذار خارجی قرار دهد؛ زیرا سرمایه‌گذار خارجی را به این نکته رهنمون می‌سازد که شاید در داخل کشور معضلات و نابه‌سامانی‌ها و قواعد و مقررات دست و پاگیر غیر قابل حلی وجود دارد که سرمایه‌گذار داخلی را در وضعیت عدم استفاده بهینه از سرمایه خود قرار داده است، لذا در تصمیم‌گیری وی برای سرمایه‌گذاری مؤثر خواهد بود. در هر حال، ما حتی در شرایط فعلی که سرمایه داخلی مناسب و در خور توجهی داریم و از مازاد درآمد ارزی هم برخورداریم، باز هم به استفاده از سرمایه خارجی در مفهوم درست حقوقی آن (و نه بیع متقابل و فاینانس) نیاز داریم و به نظر می‌رسد می‌تواند بخشی از کاستی‌های ما را در زمینه سرمایه خارجی مرتفع نماید.



□ **حجة الاسلام نظریور:** هدف از تشکیل صندوق ذخیره مازاد ارزی، مصون نگهداشتن اقتصاد ملی از عوارض ناشی از نوسانات درآمدهای ارزی کشور است و با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط آینده اقتصاد جهانی و چگونگی قیمت در بازارهای جهانی و امکان عدم وصول درآمدهای مصوب در برنامه، باید در هزینه نمودن ذخایر این صندوق حساسیت بیش‌تری به خرج داد و نمی‌توان بی‌مهابا همه یا درصد بالایی از آن را به سرمایه‌گذاری در داخل اختصاص داد.

در مورد سرمایه‌های ایرانیان در خارج کشور باید اعتراف کنیم که هنوز نتوانسته‌ایم با به کارگیری راه‌کارهای مناسب از این سرمایه‌های عظیم استفاده مطلوب کنیم. بی‌تردید با توجه به علاقه آنان به کشور، استفاده از این سرمایه‌ها به مراتب راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تر از سرمایه‌هایی است که با هزاران قید و شرط وارد کشور می‌شود.

البته تجربه نشان می‌دهد در سال‌هایی که ضرورت به جریان افتادن سرمایه به خوبی احساس می‌شد، به علت عدم ساز و کارها و سیاست‌های مناسب و مطرح نمودن شعارهای نسنجیده، بسیاری از سرمایه‌های داخلی از کشور گریخت و بعضاً به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتقل شد.

بی‌تردید اگر در روند گذشته تجدیدنظر اساسی صورت نپذیرد، به جریان افتادن سرمایه‌های ایرانیان و حفظ سرمایه‌های محدود کشور، بسیار دور از انتظار و مفید بودن سرمایه‌های خارجی نیز بسیار قابل تأمل است. از این رو ضروری است دولت از طریق افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری نظیر اعطای اعتبارات و تسهیلات جهت‌دار، حذف مالیات‌های مشکل آفرین، گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای و کمک‌های مدیریتی و تکنیکی و فراهم آوردن زیر ساخت‌های اقتصادی مناسب و شفاف نمودن سیاست‌های اقتصادی و جبران و ترمیم ضعف مدیریت‌ها و بهادادن به خلاقیت‌ها و ابتکارها و کارآفرینی‌ها، به شکل‌گیری سرمایه‌های ملی کمک شایان توجهی نماید.

**\* با توجه به تنوع روشها و منابع چه شیوه و منبعی از سرمایه‌گذاری خارجی را برای ایران پیشنهاد می‌کنید؟**

□ **دکتر سبحانی:** باز هم این گونه استنباط می‌شود که سرمایه‌گذاری خارجی با استقراض یکی گرفته شده است در حالی که این دو از نظر حقوقی متفاوت‌اند. در موضوع سرمایه‌گذاری خارجی ما باید به شدت با وارد شدن دولت‌های خارجی و سازمان‌های

بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری مخالفت کنیم؛ چون دیده شده است که دولت‌ها انگیزه‌های سیاسی دارند و سازمان‌های بین‌المللی هم عمدتاً اهدافی را دنبال می‌کنند که اجرای آن‌ها در کشورهای میزبان سرمایه می‌تواند بستر جهانی شدن اقتصاد را فراهم آورده، به رفع موانع اهتمام کند. دست‌کم آن‌ها محدودیت‌ها و قیودی را برای استفاده از سرمایه خارجی تعیین می‌کنند که جهت اقتصاد ملی را تغییر می‌دهد و این مقوله‌ای است که در مفید بودن آن تردید جدی وجود دارد. هم‌چنین باید نوعی از سرمایه‌گذاری را انتخاب کنیم که به طور واقعی حلقه‌های مفقوده صنعت، کشاورزی یا خدمات را پر کند و امکان سلطه بر بخشی از اقتصاد را به سرمایه‌گذار خارجی ندهد و در عین حال دست بخش خصوصی داخلی را برای سرمایه‌گذاری کوتاه نکند.

□ حجة الاسلام نظریور: به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری مستقیم از آن جهت که سرمایه‌گذار را مستقیماً درگیر تولید و کارایی و بهبود تکنولوژی و سودآوری می‌کند، از دیگر سرمایه‌گذاری‌ها برتر باشد. لذا اگر بتوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به سمت و سویی هدایت نمود که کشور از خلأ در آن بخش رنج می‌برد و آن صنعت خاص از تکنولوژی بالایی نیز برخوردار باشد که کشور فاقد و در عین حال نیازمند به آن است، می‌توان انتظار کارکرد مناسبی را از این سرمایه‌گذاری داشت، ولی متأسفانه نوع کشورهای در حال توسعه از چنین هدایت بخشی و انتخابی برخوردار نیستند. در واقع سرمایه‌گذار خارجی است که تعیین می‌کند در چه زمینه‌هایی و چگونه و با چه حجمی از سرمایه و با چه وسعتی می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند.

گفتنی است برای تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید سیاست‌هایی نظیر کاهش تعرفه‌های گمرکی کالاها، سرمایه‌ای و منابع وارداتی، کاهش مالیات، حمایت از مالکیت معنوی و دسترسی آسان به بازارهای وسیع داخلی، برگرداندن آزاد و بی‌قید و شرط سرمایه هنگام تمایل سرمایه‌گذار برای خروج سرمایه را، فراهم ساخت. نکته قابل تأمل این است که آیا با اعمال بخشی از این سیاست‌ها و حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی و یا ایرانیان خارج از کشور و اعمال سیاست‌های سنجیده و مناسب و دقیق، نمی‌توان بخش عظیمی از سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در داخل کشور امیدوار و مطمئن ساخت و با کم‌هزینه‌ترین و با صرفه‌ترین راه، آن‌چه را کشورهای ناامید با

عزمی عمومی و همتی والا به کار بستند، عملی نمود؟ بی تردید این گونه ملاحظات جدی و استراتژیک برای برحذر داشتن کارشناسان ملی و متعهد از تصمیم نسنجیده، ضعیف، سریع و زیان بار در این زمینه، کافی است.

### \* با توجه به حضور گسترده شرکت‌های چندملیتی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی، استفاده از سرمایه‌های آن‌ها را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ دکتر سبحانی: سرمایه خارجی عمدتاً در اختیار و از آن شرکت‌های چند ملیتی است و رویکرد به سرمایه خارجی تعبیر دیگری از رویکرد به حضور شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد داخلی است، منتها با توجه به ضوابطی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حضور خارجی‌ان در کشور برای تأسیس شرکت‌ها و ... مقرر شده است، این دغدغه وجود ندارد که ممکن است بخش‌های مورد سرمایه‌گذاری تحت اختیار شرکت‌های چند ملیتی قرار گیرد. در هر حال، هر استفاده‌ای از سرمایه خارجی مستلزم پرداخت هزینه است و در مسائل اقتصادی نمی‌توان فایده‌ای را بدون پرداخت هزینه آن به دست آورد، فقط باید ملاک اقتصادی کار مد نظر باشد؛ یعنی مجموع فواید به دست آمده از مجموع هزینه‌های آن بیش‌تر باشد. وجود قانونی جامع که در آن زمینه‌های انحراف و سوء استفاده به خوبی پیش‌بینی شده و مسدود گردیده باشد می‌تواند تا حدود زیادی موجب انتفاع ما از سرمایه شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد کشور شود. بنابراین فقط در فقدان قانون و پیش‌بینی‌های کارآمد است که حضور شرکت‌های چند ملیتی که امروز عرصه جهان را تیول سرمایه‌گذاری‌های خود کرده‌اند می‌تواند منافع ملی را تأمین نکند و دغدغه‌ها و نگرانی‌های جدی را دامن بزند.

□ حجة الاسلام نظرپور: سهم شرکت‌های چندملیتی (Multinational Corporations) یا فراملیتی (Transnational Corporations) در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان سوم بسیار زیاد است و تقریباً یک سوم مبادلات بین‌المللی نیز از طریق این شرکت‌ها انجام می‌شود. حجم فروش سالیانه برخی از شرکت‌ها از تمام تولید ناخالص داخلی کشوری که در آن فعالیت می‌کنند، بیش‌تر است. این شرکت‌ها نوعاً ریشه در کشورهای صنعتی نظیر آمریکا، انگلیس، آلمان و ژاپن دارند.

بی‌تردید شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات اقتصادی‌ای هستند که درصدد حداکثرسازی سود خود می‌باشند. باید دید آیا می‌توان شرایط را به گونه‌ای فراهم ساخت که منافی نیز عاید کشور شود یا خیر؟ اگر بتوان با دقت فراوان به گونه‌ای با این شرکت‌ها وارد مذاکره شد که تکنولوژی و مدیریت سازمانی مطلوب در کشور را نهادینه کرد و آسان‌تر به بازارهای جهانی دسترسی یافت، حضور این شرکت‌ها ممکن است در بلندمدت برای کشور سودمند باشد؛ ولی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، کشورهای جهان سوم غالباً نمی‌توانند منافع زیادی را از قبیل این شرکت‌ها عاید خود سازند. گرچه ممکن است شرکت‌های چندملیتی در کوتاه‌مدت به بهبود وضعیت ارزی کشور کمک نمایند ولی در بلندمدت احتمالاً با بدتر شدن حساب سرمایه به دلیل برگشت منافع، حق امتیازها و حقوق مدیریت‌ها، نفعی عاید کشور نشود و وضعیت حساب جاری نیز احتمالاً به سبب افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه، بهبود قابل ملاحظه‌ای نیابد. در عرصه داخلی نیز بیم آن می‌رود که با ساخت دوگانه‌ای که این شرکت‌ها در کشور ایجاد می‌کنند، توزیع نابرابر درآمد و در نتیجه شکاف طبقاتی را تشدید کنند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### پی‌نوشت‌ها:

۱. برای اطلاع مبسوط از این بحث ر.ک: مایکل تودارو در توسعه اقتصادی در جهان سوم، فصل دوازدهم.
۲. مصاحبه با دکتر مؤمنی، مجله چشم‌انداز ایران، شماره ۸، ص ۳۶.